متن پیام نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳



[illegible]

[illegible]

[illegible]

متن کامل پیام نرگس محمدی از زندان اوین

به مناسبت دریافت جایزه صلح نوبل 2023

ارائه شده توسط کیانا و علی رحمانی

اسلو، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

اعلاحضرتین،
والاحضرتان،
عالیجنابان،
اعضای محترم کمیته صلح نوبل نروژ،
خانم‌ها و آقایان

از ریاست و اعضای محترم کمیته‌ی نوبل صلح سپاسگزارم که با اعطای جایزه‌ی معتبر و پرافتخار صلح نوبل از جنبش باشکوه "زن، زندگی، آزادی" و از یک زن زندانی مدافع حقوق بشر و دموکراسی‌خواه، حمایت معنادار و پرقدرتی کردید. یقین دارم تأثیر تردیدناپذیر جایزه صلح نوبل بر جنبش پرقدرت اخیر ایرانیان برای صلح، آزادی و دموکراسی، بیش از فزونی قدرت مبارزه و مقاومت فردی من خواهد بود و این برای من امیدآفرین و شورانگیز است.

من یکی از میلیون‌ها زن سربلند و مقاوم ایرانی‌ام که برای رفع ستم، سرکوب، تبعیض و استبداد به پا خاسته‌اند. یاد می‌کنم از زنان بی‌نام و نشانی که در حوزه‌های گسترده‌ی سرکوب بی‌امان، جسورانه مقاومت و در واقع مقاومت را زندگی کرده‌اند.

این پیام را از پشت دیوارهای بلند و سرد زندان می‌نویسم. من یک زن خاورمیانه‌ای‌ام. خاورمیانه‌ای که گر چه از سابقه تمدنی بسیار غنی برخوردار بوده ، اما اکنون در میان جنگ، آتش تروریسم و بنیادگرایی گرفتار شده است. من یک زن ایرانی‌ام. ایرانی تمدن ساز و پرافتخار که امروز تحت ظلم بی‌امان حکومت دینی استبدادی زن‌ستیز است. من زنی زندانی‌ام که در تحمل رنج‌های عمیق و جان‌کاه ناشی از فقدان آزادی، برابری و دموکراسی، به ضرورت وجود آن‌ها پی برده و ایمان یافته‌ام.

در میان شعله‌های خشونت و در قدرت‌یابی و تداوم استبداد ، سال هاست مسئله ما ، پیش و بیش از ارتقاء "کیفیت زندگی"، اساسا امکان "زنده ماندن" ، " بقاء" و "زندگی کردن" شده است.

در چنین وضعیتی "حیات برهنه" انسان، بی‌هیچ حایل و سپری در مقابل قدرت سرکش حکومت‌های استبدادی قرار می‌گیرد و در مقابل همه چیز، بی‌پناه می‌ماند.

در دنیای کنونی فرق معنادار و شکاف بزرگ و بیگانه‌کننده‌ای بین این دو وضعیت وجود دارد.

ما در تقلای "زنده" ماندنیم.

این "واقعیت زندگی" ماست. ما مبارزه را زندگی می‌کنیم و آگاهانه و داوطلبانه گام به راهی می گذاریم که شاید جان سالم به در نبریم.

استبداد، شرارتی پایان‌ناپذیر و بی‌حد و مرز است که سایه‌ی شومش را دیرزمانی است که بر سر میلیون‌ها انسان آوار کرده‌است. استبداد، زندگی را به مرگ، موهبت را به حسرت و آسایش را به عذاب تبدیل می‌کند. استبداد ذایل‌کننده‌ی "انسانیت"، "اراده" و "شرافت" انسان است. "استبداد" روی دیگر سکه‌ی "جنگ" است. شدت ویرانگری و انهدام هر دو هولناک است. یکی مستقیم با شعله‌های ویرانگر آتش که قابل رؤیت است و دیگری موذیانه و فریبکارانه "انسان" را پاره پاره می‌کند. جان دادنِ "انسان" در دالان‌های "وحشت" و ناامنی استبداد، چون جان دادن پرهراس یک انسان بی‌پناه زیر آتش موشک و گلوله است.

"استبداد" و "جنگ"، فزون‌بخش "قربانی" است. قربانیان "استبداد" و "جنگ" فقط جان‌باختگان نیستند. هر دو ، "انسانیت" و "شرافت" بازماندگان ، ناظران و سکوت‌کنندگان را به چالش می‌کشند و کیست که ادعا کند در این معرکه ، "انسان" باقی می‌ماند؟

"مردم"، عنصر تعیین‌کننده معادله دموکراسی در ایران

حضار محترم
با این مقدمه، می‌خواهم به لحظه‌ی اعلام جایزه نوبل صلح و پژواک طنین صدای خانم اندرسون برگردم. به شعار زیبا و پرمحتوای جنبش مردم ایران؛ "زن، زندگی، آزادی".

جمله‌ی آغازین جایزه صلح نوبل من، نام جنبش مردم ایران بود و نقطه‌ی اتکاء و مرکز ثقل تحلیل و راهبرد من نیز "مردم" و "جامعه" است.

معادله‌ی پیچیده‌ی تغییرات و تحولاتِ بنیادینِ معطوف به تحقق

دموکراسی، آزادی و برابری در ایران، تابعی از عنصر تعیین‌کننده‌ی "مردم" است، گرچه پارامترهای ثابت و متغیر دیگری نیز ضرورتاً در این معادله نقش ایفا می‌کنند که تأثیرگذارند و نباید از نظر دور نگه داشته شوند.

مردم ایران برای تحقق دموکراسی، آزادی و برابری تلاش کرده‌اند. آنان برای تحقق این مطالبات همواره بر اعتراضات خشونت پرهیز و مقاومت مدنی تاکید و از هر فرصت و امکانی برای ساختن جامعه ای سرسار از صلح، رفاه و توسعه بهره گرفته اند. اما جهان شاهد است که حکومت سرسختانه و بی‌رحمانه با سرکوب، کشتار، اعدام و زندان در مقابل خواسته‌ها و مطالبات مدنی، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه مردم ایستاده است . دموکراسی به واسطه‌ی ظرفیتی که برای تحقق آزادی و برابری در دل خود دارد، مطالبه‌ی بنیادین جامعه ایران بوده و قریب به اتفاق جامعه مدنی ، خواهان تغییرات بنیادین و گذار به دموکراسی به‌عنوان مولفه نظام سیاسی آینده ایران هستند.

جمهوری اسلامی؛ حکومت دینی استبدادی و زن‌ستیز

جمهوری اسلامی در عرصه‌ی سیاسی، راه هرگونه تحرک سیاسی را در جامعه مسدود کرده و ساختارهای فرصت‌های سیاسی را محدود و حوزه‌هایِ کنش‌های جمعی و فردی را سرکوب می‌کند. جمهوری اسلامی اساساً با پاسخگویی به "مردم" بیگانه است.

انتخابات و صندوق‌های رأی به دلیل رویکرد متحجرانه، ساختار متصلب، قوانین غیردموکراتیک و مکانیزم و رویه‌های غیرشفاف و متقلبانه، برای اکثریت مردم ایران موضوعیتی ندارد. جمهوری اسلامی ضریبِ امکانِ مشارکتِ سیاسی را ضرب در صفر کرده و سازمان‌های مدنی مستقل را به شدت سرکوب می‌کند و تلاش می‌کند تا هیچ فضای آزادی را به معنای حوزه‌ای خارج از دخالت و نظارت خود باقی نگذارد. حکومت، "تبعیض" بر اساس "دین"، "جنسیت" و "قومیت" را به طور هدفمند و سیستماتیک به منظور فرودستی "دگر" ها در دستور کار خود قرار می‌دهد.

در عرصه‌ی قضایی باید به صراحت اعلان کنم که قوه‌ی قضائیه جمهوری اسلامی، مظهر بی‌عدالتی و ظلم و عامل نقض حقوق بشر است، استقلال قوه‌ی قضائیه امری محال است، چرا که ریاست این قوه، منصوب مستقیم ولی فقیه و دادگاه‌های انقلاب، تحت سلطه‌ی نهادهای امنیتی

و نظامی‌اند. آن‌چه در این سیستم قضایی مجال تحقق نمی‌یابد، "عدالت" است.

همچنین حکومت در عرصه‌ی فرهنگی تلاش کرده تا با هزینه‌های گزاف، ماشین ایدئولوژی و سازمان‌های تبلیغاتی را سر پا نگه دارد تا به جامعه‌پذیری ایدئولوژیکی و تبلیغات گسترده دائمی بپردازد و با سانسور، حذف کامل رسانه‌های مستقل، کنترل و سرکوب، فرهنگ واقعی جامعه را به مهمیز کشد. با این‌همه ماشین ایدئولوژی حکومت کارکرد خود را از دست داده و افکار عمومی مشروعیت حکومت را به چالش کشیده است.

در عرصه‌ی اقتصادی نظام حامی پرور(رانتیر)،رفاقت سالار (کرونیستی) و غارتی با واگذاری انحصارات و امتیازات ویژه به گروه های وفادار به خود، حوزه اقتصاد را بدل به عرصه غارت و سرکوب کرده است. فساد افسارگسیخته سیستماتیک، ناکارآمدی و سوءمدیریت، اختلاس و غارت اموال و ذخایر عمومی، جامعه را دچار فقر، نابرابری های عمیق، بی‌کاری و دیگر نابسامانی‌ها کرده که تبعات سنگین این سیاست‌ها، "زیست انسانی" مردم و "شأن" و "منزلت" انسانی آنها را در معرض "فروپاشی" و "انهدام" قرار داده‌است. پاسخ رژیم در برابر معترضان همواره پرونده سازی، دستگیری، زندان و گلوله بوده است. آبان ۹۸ شاهدی بر این مدعاست.

می خواهم اجمالاً تأکید کنم که جمهوری اسلامی بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین را در همه ابعاد زندگی مردم اعم از سیاسی،اقتصادی،اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به مخاطره افکنده است.

جنبش "زن، زندگی، آزادی" ؛شتاب‌بخش فرایند دموکراسی

در چنین شرایطی است که جنبش فراگیر "زن، زندگی، آزادی" در امتداد مبارزات تاریخی، با عاملیت "زنان" ایران، پس از کشته شدن مهسا ـ ژینا امینی شکل گرفت و با حمایت گسترده مردان و جوانان جامعه همراه شد.

در چنین بستری مردم ایران به ویژه "زنان" در ستیز رو در رو با رژیم دینی استبدادی، توان و امکان به چالش کشیدن الگوهای

فرهنگی و نهادی را کسب کرده‌اند و به قدرتی تأثیرگذار در "مبارزه" و "مقاومت" و ترسیم چشم‌انداز دولت و دموکراسی در آینده‌ی ایران تبدیل شده‌اند.
زنان، این موقعیت تأثیرگذار را به موجب ۴۵ سال تجربه‌ی تبعیض و ستم در تمام عرصه‌های خصوصی و عمومی و "آپارتاید جنسی و جنسیتی" و متقابلاً مقاومت‌های خستگی ناپذیرشان به دست آورده‌اند.

جنبش "زن، زندگی، آزادی" با ایده‌ی سترگ و فراگیر "گذار از استبداد دینی"، فرایند تحقق دموکراسی، آزادی و برابری را در ایران شتاب داد و مطالبات تاریخی مردم ایران را وضوح و معنا بخشید. این جنبش در تداوم جنبش‌ها و خیزش‌های زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، کارگران، حقوق بشر ، محیط زیست و …به بسط مقاومت مدنی مردم ایران کمک شایان توجهی کرد. این جنبش ماهیتاً "تغییرمحور" و اساساً "زندگی بنیاد" است.

این جنبش به منزله‌ی "بسطی از سیاست‌های ستیز" (contentious politics) متکی بر سیر مبارزات مدنی، جنبش‌های اجتماعی و تلاش خستگی‌ناپذیر مردم برای تحقق "جامعه مدنی" است. گرچه در حال حاضر تحت شدیدترین سرکوب‌های حکومت قرار دارد، اما زنده و پویا است.

تشدید سرکوب زنان به موجب "حجاب اجباری" ننگین حکومتی، ما را دچار "انفعال" یا "انطباق" نخواهد کرد، چرا که باور داریم "حجاب اجباری" از سوی حکومت، نه فریضه‌ای دینی و الگویی فرهنگی، بلکه به منظور جریان و شریان عنصر "سلطه" و "تسلیم" در رگ و پی کل جامعه بوده و "لغو حجاب اجباری" به منزله لغو تمام شقوق سلطه و شکستنِ سرکوب استبداد دینی است.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی در نازل‌ترین سطح مشروعیت و پایگاه اجتماعی مردمی و در موقعیت "تعادل ناپایدار" قرار دارد و ظهور هر عنصری به عنوان کاتالیزور، شکل نهایی سیاست‌های ستیز و "گذار از استبداد دینی" را رقم خواهد زد. چرا که باور به "دموکراسی" و "حقوق بشر" صرفا امور محصور در "زیست ذهنی" روشنفکران ایران نیست، بلکه کنش‌های جمعی و فردی پردامنه‌ای را در کل جامعه رقم زده است.

راهبردِ تقویت جامعه‌ی مدنی و تضمین حقوق بشر در ایران

حضار محترم
جنبش قدرتمند و فراگیر مردم ایران برای به ثمر نشستن، نیاز به رشد، گسترش و قدرت‌یابی سازمان های جامعه مدنی و توسعه ساختار شبکه‌ای برای بسیج نیروهای جنبش دارد.

از سویی دیگر "جامعه‌ی مدنی" جان‌مایه‌ی "دموکراسی" است و بدون "جامعه‌ی مدنی" قدرتمند، آینده‌ی "دموکراسی" در ایران تضمین نخواهد شد. جامعه‌ی مدنی ایران از تجارب تاریخی ارزشمندی برخوردار است و علی‌رغم سرکوب شدید و بی‌امان حکومت، به اشکال مختلف به بقای خود ادامه داده‌است و اکنون زمان "تقویت" و "حمایت" گسترده جامعه مدنی بین‌المللی از "جامعه‌ی مدنی" ایران فرا رسیده و من تمام تلاش خود را در این خصوص به کار خواهم گرفت.

تحقق "دموکراسی" مستلزم تحقق "حقوق بشر" است. "حقوق بشر" به سطح آگاهی تاریخی مردم ایران رسیده و سرفصل فعالیت بسیاری از جنبش‌ها، جریانات و گروه‌هاست و ظرفیت و توان ایجاد همبستگی و ائتلاف‌های گسترده‌ی ملی را پیدا کرده است.

همراهی افکار عمومی جهان از طریق "رسانه‌های"معتبر جهانی بی تردید اثرات جدی در تداوم و تقویت جنبش دموکراتیک مردم ایران خواهد داشت.

حضار محترم
بی‌گمان مردم ایران به مبارزه ادامه خواهند داد، اما در دنیای جهانی شده‌ی کنونی، نقش دولت‌ها،جامعه مدنی جهانی، از جمله سازمان ها و نهادهای بین المللی، رسانه ها و سازمان های مدنی مستقل و غیر دولتی انکار ناپذیر است.

من عمیقاً از حمایت نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، همینطور سازمان های مدنی زنان، هنرمندان، انجمن جهانی قلم، نویسندگان و روشنفکران و رسانه‌های جهانی برای حمایت‌های تأثیرگذارشان از جنبش "زن، زندگی، آزادی" سپاسگزارم.

اما واقعیت این است که دولت‌ها و سازمان ملل آن‌چنان که ضروری و سزاوار می‌نمود، اهتمام جدی، انسجام عملی و رویکردی پیش‌برنده برای حمایت معطوف به پیروزی مردم ایران نداشته‌اند. سیاست‌ها و راهبردهای دولت‌های غربی سطحی‌تر از آن بوده که با اصالت بخشی به اراده‌ی مردم ایران برای رسیدن به اهدافشان، دموکراسی را در این

نقطه از جهان ممکن‌تر و صلح را تضمین نمایند.

حقوق بشر در خلأ اتفاق نمی‌افتد، حال آن‌که حقوق بشر در کشور ایران تحت فشارهای چندجانبه نیروهای قدرتمند سرکوبگر قرار دارد و دولت‌های غربی نمی‌بایست با اتخاذ راهبردهای سرگردان معطوف به استمرار حکومت جمهوری اسلامی، دموکراسی و حقوق بشر را به تأخیر اندازند و انتظار می رود جامعه مدنی جهانی حمایت های جدی تری از تلاش مردم ایران برای گذار دموکراتیک و خشونت پرهیز برای دست یابی به صلح و دموکراسی و حقوق بشر انجام دهند.

راهبرد شکل‌گیری اراده و انسجام بین‌المللی

حضار محترم
به رسمیت شناخته شدن حق "حاکمیت ملی" و "حق تعیین سرنوشت" مردم و ملل پس از هزینه‌های سنگین جنگ‌ها، قابل احترام، بسیار مترقی، سرفصل جدیدی برای زیست بشر و پیشرفت بزرگی برای محافظت از صلح بوده است، اما جهان شاهد است و تاریخ گواهی می‌دهد که مسئله‌ی "تجاوز" و "تعرض" حاکمان به "حقوق اساسی مردم" خودشان، مسئله‌ای بزرگ و حل‌نشده باقی مانده و صلح پایدار جهانی را به مخاطره افکنده و بشریت از آن رنج می‌برد.

تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سازمان ملل و سازوکارهای موجود، معاهدات و دادگاه‌های بین‌المللی و اروپایی نیز نتوانسته‌اند مانع افسارگسیختگی سرکوب وحشیانه، انهدام زندگی، تجاوز به حقوق بنیادین مردم، شکنجه، اعمال تبعیض و ستم حاکمان بر مردم بی‌پناهشان شوند. در جهان کنونی، اقتصاد، دین و دولت-ملت‌ها از نهادهای قدرتمند تاریخی برخوردارند و نهاد تازه‌جان‌یافته‌ی حقوق بشر از سوی نهادهای قدتمند تحت فشار قرار گرفته‌است.

جهان شاهد است که هیچ سندی به اندازه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، نقض نشده است. راهکار چیست؟ آیا زمان آن فرا نرسیده تا جهان اراده و اهتمام کند که با یکپارچگی و انسجام راه حلی بیابد؟

به باور من جهانی شدن صلح و حقوق بشر، مقدم و کارسازتر از جهانی شدن هر امر دیگری است.

واقعیت این است که تبعات و پیامدهای نقض حقوق بشر که بهای

ابقاء حکومت‌های اقتدارگرا است، در داخل مرزهای جغرافیایی نمی‌ماند و تبعات سنگین و جبران‌ناپذیر مهاجرت، آوارگی، بروز جنگ‌ها، آشوب‌ها، مداخلات نظامی و ایجاد بستر مناسب برای رشد گروه‌های تروریستی و بنیادگرایی، چون تبعات پهن دامنه‌ی جنگ بین کشورها، به کل جهان سرایت می‌کند.

به نظر می‌رسد در دنیای جهانی شده، یا "حقوق بشر" جهانی خواهد شد، یا پیامدهای "نقض حقوق بشر". من به سهم خود در کنار تلاشگران و مدافعان حقوق بشر برای جهانی شدن حقوق بشر تلاش خواهم کرد.

حضار محترم
من در کنار استاد و همکار عزیزم سرکار خانم شیرین عبادی دومین دریافت‌کننده‌ی مدال نوبل صلح از کشور سربلند ایرانم. ایران تمدنی کهن و پر افتخار دارد و همواره در تقلای بالندگی و بهروزی بوده‌است. ما وارثان این تمدن و تقلاییم.

تاریخ و میراث فرهنگی و تمدنی گذشته، تنها پیوند ما نیست، آینده نیز ما را در کنار و تکیه‌گاه هم قرار داده‌است. ما در تقلای دموکراسی و حقوق بشریم و این از مردمانی سخت‌کوش و مقاوم که پیشتاز مشروط کردن قدرت دولت، آزادی‌خواهی و عدالت طلبی در منطقه بوده‌اند، امری غریب نیست.

عنصر پایدار و روزافزون " مقاومت" و "مبارزه" در ترکیب و بافت تاریخ، فرهنگ و باورهای مردم ایران، قدرتمند و تأثیرگذار بوده‌است.

مقاومتِ امروز مردم از اقوام، مذاهب، عقاید، رویکردهای سیاسی مختلف و در جغرافیای فراگیر ایران طی سالین گذشته ستودنی است.

جنبش "زن، زندگی، آزادی" ، وارث و وامدار همه این سال‌ها مقاومت با استراتژی گوناگون است. از اعتراضات فراگیر و خونین مردم به انتخابات فرمایشی و متقلبانه ۸۸ ، دی ماه ۹۶ تا اعتراضات "آب"، از آبان خونین ۹۸ تا اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی و اعتراضات مستمر معلمان، کارگران، بازنشسته گان و دیگرگروه‌های اجتماعی.

این روزها سبک زندگی، بستر مقاومت روزمره جوانانی است که خیابان و عرصه عمومی را به فضایی برای مقاومت مدنی فراگیر

تبدیل کرده‌اند. مقاومت، زنده و مبارزه پابرجاست.

مقاومتِ مداوم و خشونت‌پرهیز بس سترگ است. این همان راه دشواری است که ایرانیان به اتکای آگاهی تاریخی و اراده‌ی جمعی خود تا امروز پیموده‌اند. مردم ایران با استمرار، انسداد و استبداد را ویران خواهند کرد. تردید نکنید، این امر قطعی است. من در کنار جامعه مدنی، زنان و مردان مقاوم و شجاع ایران با امید و اشتیاق دست تمام نیروها، جریانات و افراد با محوریت پای‌بندی به صلح ، میثاق جهانی حقوق بشر و دموکراسی را می‌فشارم.

یقین دارم نور آزادی و عدالت با قدرت به سرزمین ایران تابانده خواهد شد. در آن بزنگاه، پیروزی دموکراسی و حقوق بشر را بر استبداد و اقتدارگرایی جشن خواهیم گرفت و پژواک سرود پیروزی مردم در خیابان‌های ایران در سراسر جهان طنین انداز خواهد شد.

نرگس محمدی/ اوین- آذر ۱۴۰۲

در گرامیداشت روز جهانی حقوق بشر

به مناسبت سال‌روز اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

10 دسامبر 1948 – 19 آذر 1327



بیانیه

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

هفتاد و پنج سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می گذرد. در این بیانیه حقوق اولیه انسانها در زمینه های گوناگون چون امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدنی و … روشن و مدون شده است.

بسیاری از کشورهای جهان، از جمله دولت ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرده اند، اما در عمل بسیاری از این کشورها بسیاری از مفاد آن را نقض و زیر پا می‌گذارند، چنانچه ما شاهد سرکوب، زندانی، اعدام و همچنین رانده شدن صدها هزار انسان از سرزمینهای خود هستیم.

ایران اگرچه یکی از امضاء کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر است، ولی نقض حقوق بشر توسط رژیم پهلوی و سپس جمهوری اسلامی همواره وجود داشته و نیز ادامه دارد. سرکوب اعتراض مردم به گران شدن بنزین در آبان ۱۳۹۸، یکی از خونین ترین و وحشیانه ترین سرکوب ها در تاریخ معاصر ایران است.

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی، سرآغاز حرکتی عظیم در سراسر کشور بود که رعب و وحشت در قدرت استبداد حکومت دینی ایجاد کرد و منجر به دستگیری هزاران نفر و همچنین اعدام و کشته شدن صدها نفر شد.

جمهوری اسلامی در یک سال اخیر با دستگیری های مداوم کنشگران مدنی، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، دانشجویان، معلمان،هنرمندان، کارگران، وکلا و… سعی بر هرچه بیشتر امنیتی کردن جامعه و تمامی نهادهای اجتماعی می کند. هرچند کوشش حکومت در ایجاد فضای رعب و وحشت به شکلی توانسته است مردم را از خیابان دور نگه دارد، اما هر روز جسته گریخته و حتی به شکلی منظم (اعتراض بازنشستگان و کارگران) شاهد حضور، ابراز خشم و نفرت مردم نسبت به حکومت اسلامی هستیم.

دراین میان با فشار و افشای ماهیت سرکوبگر حکومت توسط کنش گران در داخل و خارج از کشور، رژیم جمهوری اسلامی دست به آزادی چندین زندانی سیاسی زده است، از جمله توماج صالحی که برای خواندن ترانه ای انقلابی و نیز حمایت از خیزش ۱۴۰۱ یک سال در زندان در زیر شکنجه های جسمی و روحی بسر برده است، او را بدلیل افشاگری هایش دو هفته بعد دوباره دستگیر کردند. نرگس محمدی فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی که امسال برنده جایزه صلح نوبل شد، سالهاست که در زندان بسر می برد.

در سایر کشورهای جهان نیز، ما همچنان شاهد نقض حقوق بشر هستیم. چین که با بیشترین اعدام ها در سطح جهان، یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر است. روسیه که نزدیک به دوسال است به کشور مستقل اوکراین تجاوز نظامی کرده و هنوز شهرها و مناطق مسکونی را مورد حمله های موشکی و پهپادی می کند و زندانهای او مملو از فعالان حقوق بشری، خبرنگاران و معترضین به جنگ است، همچنین در هند و … .

در نزاع تاریخی بین اسرائیل و فلسطین، از یک طرف شاهد حمله و یورش تروریستی حماس به جنوب اسرائیل که منجر به کشته شدن بیش از ۱۲۰۰ نفر و به اسارت گرفتن بیش از دویست نفر، نظامی و غیر نظامی، زن و کودک اسراییلی شد هستیم، و از طرف دیگر شاهد حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه تحت عنوان "دفاع از خود" با بمباران خانه ها و اماکن عمومی مانند بیمارستان ها که منجر به کشته شدن بیش از ده هزار نفر از جمله چند هزار کودک شد، هستیم. اما بیشتر رسانه ها و دولتهای غربی شاهد خاموش آن بودند و بخشا آن را تایید کردند. گوئی تنها آزار و کشته شدن کودکان و نوجوانان اسرائیل و به اسارت گرفتن آنان، بایستی مورد انزجار قرار گیرد و نه آزار و کشته شدن و به اسارت گرفتن تمام کودکان، نوجوانان و جوانان آن منطقه آشوب زده.

در افغانستان پس از به قدرت رسیدن مجدد طالبان شاهد نقض وسیع حقوق بشر و به ویژه محرومیت زنان و دختران از رفتن به مدرسه، دانشگاه و کار هستیم. مردم بستوه آمده از قدرت گیری مجدد طالبان که به کشور همسایه پاکستان پناه آورده بودند، در چند ماه اخیر توسط این دولت اخراج میشوند و جهان در برابر این فاجعه سکوت کرده است.

همچنین ما شاهد نقض حقوق بشر به صورت گسترده و ریشه ای در ترکیه، عربستان، سوریه، عراق، مصر، الجزیره و… هستیم. حتی در کشورهای دموکراتیک که بیش از همه ادعای دفاع از حقوق بشر را می‌کنند و انتظار بیشتری برای رعایت حقوق بشر از آنان است (اروپا، آمریکا…)، نقض حقوق بشر کما بیش ادامه دارد.

جنبش جمهوري‌خواهان دموکرات و لائیك ایران، به مناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر در سراسر جهان، بار دیگر بر تعهد همه جانبه خود در دفاع و کوشش در تحقق پیمان جهانشمول حقوق بشر و ملحقات آن تاکید می‌ورزد. در همین راستا نیز، بر اصل جدایی دولت از دین (لائیسیته)، به منزلهِ یکی از مضامین حقوق بشری، پای می‌فشارد و از تمام کنشگران حقوق بشری در سراسر جهان پشتیبانی می‌کند.

جنبش جمهوري‌خواهان دموکرات و لاییك ایران

4 دسامبر ۲۰۲۳

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

بیانیه جمعی از فمینیست‌ها و فعالین کردستان در محکومیت درگیری مسلحانه اخیر در کمپ حزب کومله کردستان ایران



روز پنجشنبه یک تیر ۱۴۰۲ (۲۲ ژوئن ۲۰۲۳) شاهد درگیری مسلحانه درون حزب کومله کردستان ایران با نیروهای حزب کومله زحمتکشان کردستان بودیم که یک روز قبل در بیانیه‌ی اعلام کرده بودند ادغام آنها در حزب کومله کردستان ایران شکست خورده است. این اتفاق که در کمپ زرگویزه در اقلیم کردستان عراق رخ داد و به کشته شدن دو پیشمرگ منجر شده، فضا و ضرورتی را ایجاد کرده است که همه ما فعالان را وامی‌دارد که امروز مسئولانه هم در مورد علل بروز و هم پیامدهای آن برای جنبش رهایی بخش مردم کورد هشدار دهیم.

آنچه رخ داده امری تصادفی و صرفاً حاصل اشتباهات افرادی محدود در دو شاخه مذکور نیست، بلکه نتیجه تعمیق شکلی از سیاست ورزی غیردموکراتیک برخی از احزاب در کردستان است که در انحصار مردانی قرار گرفته که حتی ابایی از به‌کارگیری خشونت یا استفاده ابزاری از مبارزه مسلحانه برای پیشبرد اهداف جاه طلبانه و فردی-حزبی خود ندارند. به رغم اینکه این احزاب در سطوح سیاسی علیه نابرابری

مبارزه می‌کنند، با این‌حال درون خود اشکال مختلفی از مناسبات سلطه را بازتولید کرده‌اند که زمینه‌ساز بروز چنین رویدادهایی می‌شود.

ممنوعیت فعالیت احزاب کورد در ایران بعد از سرکوب خونین کردستان پس از انقلاب ۵۷، کمپ نشینی اجباری و دوری این نیروها از جامعه کردستان، شکاف درون احزاب را افزایش داده و سلسله مراتب غیردموکراتیک میان سرکردگان و بدنه‌ی احزاب را تقویت کرده، به نحوی که مکانیسم‌های جمعی دموکراتیک برای مقابله با مشکلات درونی به تعلیق درآمده و زمینه را برای بروز خشونت‌ورزی فراهم کرده است. فراموش نکنیم که برخی از رهبران احزاب از امکان‌ها و امتیازهای سیاسی-اقتصادی‌ای برخوردارند که به هیچ وجه با شرایط سخت زندگی و کمپ نشینی پیشمرگ‌ها قابل مقایسه نیست.

کردستان مانند هر جامعه دیگری همگون نیست و از نیروهای متکثر و بعضا متضادی شکل گرفته است، اما تاریخ این جغرافیا بر پیشاهنگی نیروهای مترقی برابرطلب و آزادیخواه سکولار شهادت میدهد و درست به همین دلیل از دل این جغرافیا مهمترین جنبش انقلابی فمینیستی یک قرن اخیر متولد شد. درگیری حزبی اخیر اما عمیقا با ماهیت مترقی و فمینیستی جنبش «ژن.ژیان.ئازادی» که خاستگاهش کردستان بوده در تناقض است. جامعه مدنی آگاه کورد، که بعد از «قیام ژینا» مصمم‌تر از همیشه پرچم مقاومت در برابر تمام اشکال پدرسالاری شاهی و شیخی(ها) را در دست گرفته، با صراحت تمام در تقابل با این شکل از سیاست ورزی قیم مآبانه خواهد ایستاد و به همین ترتیب اجازه سوءاستفاده و ماهیگیری از آب گل آلود را به نیروهای مرتجع و ناسیونالیستی بیرون از کردستان نخواهد داد.

این تراژدی که باعث انشقاق میان نیروهای موجود در ساحت سیاسی کردستان شده و بخش عمده‌ای از جامعه را از امکان نقش آفرینی رهایی بخش احزاب در آینده کردستان ناامید و سرخورده کرده، خطری را به ما

گوشزد می‌کند که باید همین امروز دفع شود: انقلابی که کردستان و زنان پیشگامی کرده‌اند و می‌کنند، نه از جانب احزاب (به ویژه رهبران آن‌ها) و نه از جانب فعالین فرصت طلب مردسالار قابل مصادره نیست. حتی در کردستان نیروهای اصلی انقلابی همواره مردم‌اند و کسانی که جان‌شان را در سنگرهای خیابانی گرو گذاشته‌اند؛ اگر احزاب نقشی فراتر از همبستگی با مردم و پیشبرد منافع جمعی آنها دنبال می‌کنند، باید بدانند که پیشاپیش محکوم به شکست‌اند.

آنچه در زرگویزه روی داده نه تنها نیازمند آسیب‌شناسی و چاره‌یابی از سوی احزاب بلکه همچنین مستلزم شنیدن و جدی‌گرفتن صداهای انتقادی درون جامعه کردستان است که در تمام این سال‌ها همواره چند قدم از احزاب جلوتر بوده‌اند و نسبت به مخاطرات این وضعیت بغرنج و پیچیده هشدار داده‌اند. این احزاب که بالقوه‌گی‌های زیادی برای ایفای نقش در پیشروی مسیر انقلابی این خیزش دارند، چنانچه گام‌های مهم رادیکالی برای تغییر ساختارهای درونی‌شان برندارند، هیچ بعید نیست که روزی در ضدیت با جنبش عمل کنند. احساس مسئولیت جمعیِ احزاب ایجاب می‌کند که بیش از این به حافظه تاریخی مردم کردستان، فداکاری پیشمرگ‌ها، و آرمان‌های دموکراتیکی که خاستگاه احزاب کوردی بوده، خیانت نکنند. ضروری‌ست که آمران اصلی این حادثه و رهبران این احزاب ضمن شفاف سازی و معرفی عاملان این تراژدی، از جامعه کردستان عذرخواهی کرده، دادگاهی شوند و از پست و وظایف خود استعفا دهند.

سه شنبه, 6ام تیر, 1402

امضاکنندگان به ترتیب حروف الفبا:

استیره مرتضایی

افسانه بهشتی زاده

آنیسا جعفری مهر

آوا هما

بفراو نوری

پروین اردلان

چنور مکی

حوری غمیان

دیمن سهرابی

روژان افروز

روژین آزادیفر

روژیا م

روژین موکریان

روناک

رویا

روناک رسولپور

ژیلا گلعنبر

ژیلوان کمانگر

سارا افراسیابی

سارا پیام

سارا کرمانیان

سحر ابراهیمی

سحر رسایی

سرگل حسنی

سما شیخ السلامی

سما نساری

سمیه رستم پور

سمیه سلیمانی

سنبل صادق وزیری

سهیلا شهریاری

سوما نگهداری نیا

شلر شبلی

شهرزاد مجاب

شیوا عاملی راد

صفورا بذرافشان

فاتمه کریمی

فرانک شکراله‌پور

فرزانه جلالی

فریده پیروتی آذر

کلکتیو فمینیستی توار

کویستان عمرزاده

گلرخ قبادی

لاون امانی

لاله

لیلا محمدی

لیلی حسن پور

مهسا پیرایی

مهین شکراله‌پور

موره شین

ناهید مکری

نگین

نگین شیخ السلامی وطنی

نسترن صارمی

هاوژین بقالی

آروین فاتحی

امجد کوردنژاد

انور حسن پور

انور عزیزیان

برزو الیاسی

بهداد بردبار

بهروز بوچانی

بهنام امینی

پدرام بالداری

جلیل زندی

خلیل رشیدیان

دلیر کمانگر

ربین رحمانی

رحمان جوانمردی

رزگار بهاری

رضا صالحی نیا

ژیار جهانفرد

ساسان امجدی

سامان غزالی

سردار سعدی

سوران محمدی

سوران منصورنیا

سیروان

سیروان کردستانی

سیوان سعیدیان

صباح نصری

عباس ولی

عدنان حسن پور

فرشید آذرنیوش

فرهاد جهانبیگی

فواد رحیمی

کامبیز قبادی

کامران متین

کاوه قریشی

کاو کرماشانی

کریم مرسنه

کیا ایراندوست

کیومرث

موراد روحی

نوروز گنجی

هژیر هاشمی

هیرش خیری زاده

هیرش خیرآبادی

هیمن سیدی

جمع آوری امضاها ادامه دارد؛ از طریق لینک زیر میتوانید نام خود را به لیست امضاکنندگان بیانیه مذکور اضافه کنید:
https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLScNeVonH2sfNaqB8Qrb wE32YA80nzpM4G87QDVR27B4Piz5cg/viewform

---

پشتیبـــــانی و همبســـــتگیِ از فراخـــــوان ۱۶ اســـــفند کانون صنفی معلمان ایران







بیانیه مشترک
سه سازمان جمهوری‌خواهِ دموکرات و لائیک

ما، حمله بیوتروریستی جمهوری اسلامی را بشدت محکوم می‌کنیم. از فراخوان ۱۶ اسفند "کانون صنفی معلمان"، پشتیبانی، و با مبارزات عدالت‌خواهی ملت ایران، اعلام همبستگی می‌کنیم.

رژیم در مقابله با جنبش "زن، زندگی، آزادی"، ناکام مانده، مستاصل است. استفاده از ابزارهای جنگی و کشتار خیابانی، با تمام بربریت، نتیجه‌ی مورد نظر رژیم را نداد. ترفند بعدی دستگیری، دادگاه‌های صحرایی، محکوم کردن صدها انسان بی‌گناه به مرگ و اعدام چند جوان، نیز کاری نشد و مبارزان آزادی‌خواه را مصمم‌تر نمود.

ترفند بی‌شرمانه‌ی جدید جمهوری اسلامی، حمله شیمیائی است که اوج درماندگی رژیم را آشکار می‌کند. قربانیان این فاجعه، آسیب پذیرترین فرشته‌های ایران، دختران دانش آموز میهن‌مان می‌باشند! امروز، سه ماه است که سگ‌های هار رژیم به جان فرزندان و جگر گوشه‌های ایران افتاده و نزدیک به یک هزار دختر دانش‌آموز را مسموم و روانه بیمارستان کرده‌اند.

کانون صنفی معلمان ایران در بیانیه خود می‌نویسد: "سرانجام پس از گذشت بیش از سه ماه انکار، تکذیب و آدرس غلط دادن، وزارت بهداشت مسمومیت دانش‌آموزان دختر در شهرهای مختلف و دادستان کل، عمدی و سازمان یافته‌بودن این تهاجم‌ها را تایید کردند."

رژیم منحوس باید بداند که قیام ملت ایران با

کشتار و اعدام کاری نبود و حمله شیمیایی، مانند نفت روی هیزم، آن را شعله ورتر می‌کند.

استقلال، داد، دموکراسی،

جمهوری، لائیسیته، برابری،

زن، زندگی، آزادی،

ششم مارس ۲۰۲۲ برابر با پانزدهم اسفند ۱۴۰۱

اندیشکده آگاهی و شناخت

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

حزب جمهوریخواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران – همسازی ملی جمهوری‌خواهان ایران

آدرس سایت های رسمی سه نهاد

https://www.andishkade.net/

http://nedayeazady.org/

www.rangin-kaman.net

فراخوان به نیروهای چپ در

سراسر جهان: در کنار مبارزت مردم ایران با یستید!

30 نوامبر 2019

بیانیه زیر توسط جمعی از فعالان مستقل و آکادمسین های چپ ایرانی در آلمان، انگلستان و فرانسه در بحبوحه قیام آبان ۹۸ نوشته شده است. بیش از ۱۵۰مبارز، اکتیویست، آکادمسین و سازمان سیاسی مستقل چپ از سرتاسر جهان بیانیه را امضا کرده اند و همبستگی خود را با مبارزات شجاعانه و برحق مردم ایران ابراز کرده اند.

برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان، به اینجا رجوع کنید*.

این بیانیه همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و یونان و اسپانیایی انتشار یافته است.

«[illegible] [illegible] [illegible] [

دوزخ اجتماعیِ سرمایه‌داری مالی نولیبرال، از ۲۴ آبان ۱۳۹۸ خیزش عمومی دیگری در ایران شکل گرفته است. ـ

سه‌برابرشدن ناگهانی قیمت بنزین جرقه‌ای بود برای شروع اعتراضاتِ ده‌ها هزار نفر در بیش از صد شهر. بی‌گمان، قیمت بنزین به‌خودی‌خود باعث چنین خیزش عظیم و گسترده‌ای نشد؛ بلکه علت اصلی آن، ۴۰ سال حکمرانی الیگارشیِ مبتنی بر اقتدارگرایی، حذف سیستماتیک مخالفان و سلب مالکیت بود که در اثر آن میلیون‌ها نفر بیکار شده یا در شرایط کاری بسیار بی‌ثبات قرار گرفته اند و از ملزومات اساسی زندگی (تحصیلات، بهداشت، غذا و مسکن) محروم مانده اند.ـ

همان‌طور که در شیلی افزایش ۳۰ پزو در قیمت بلیت مترو بی‌درنگ لهیب آتشی پنهان را به جهنم بدل ساخت، در ایران هم قیمت بنزین جرقه‌ی خیزش اخیر را زد (همین امر در مورد مالیات‌بستن بر استفاده از نرم‌افزار ارتباطیِ WhatsApp

در لبنان و حذف یارانه‌های سوخت در اکوادور و غیره نیز صادق است). دیوارنوشته‌ای در شیلی حال‌وهوای وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «موضوع نه بر سر ۳۰ پزو ، بلکه بر سر ۳۰ سال نولیبرالیسم است».ـ

از روز جمعه (۲۴ آبان / ۱۵ نوامبر) مردم ایران شجاعانه با ماموران تا بن‌دندان مسلحِ سپاه پاسداران و مزدوران شبه‌نظامی و لباس‌شخصیِ بسیج نبرد می‌کنند، کسانی که به‌لحاظ اقتصادی وابسته به حکومت‌اند. مسلما مردم «حق» دارند از خود در برابر خشونت نظام‌مند دولتی دفاع کنند، در خیابان‌ها سنگر بسازند، بزرگراه‌ها را ببندند و معابر و اماکن محلی را اشغال کنند.ـ

آن کسانی که فراموش شده بودند و دیده نمی‌شدند، حال با آتشی که افروخته‌اند خود را نمایان می سازند. آتش برای آن‌ها حکم جلیقه‌ی زردی را دارد که پرولتاریا و جمعیت مازادِ فرانسه به تن دارند؛ هر دوی این‌ها بناست صدایی به بی‌صدایان دهد. درحالی‌که تلویزیون «بی. بی. سی. فارسی» و رسانه‌های هم‌سو با آن، ازجمله نیروهای مرتجع سلطنت‌طلب (همچون تلویزیون «ایران اینترنشنال» و «من و تو») آموزه‌های لیبرالی «اعتراض صلح‌آمیز و مدنی» را تجویز می‌کنند، جوانان ایران به این واقعیت آگاه‌اند که «هیچ مردمی بدون نفرت به پیروزی نخواهند رسید»؛ که «نیروی مادی را باید با نیروی مادی سرنگون کرد»؛ و این‌که آن‌ها به‌طور مشروع و موجهی حق دارند از خویش در برابر خشونت نظام‌مند دولتی که شهروندان را می‌کشد دفاع کنند.

پیام مردم در جنوب جهانی و ورای آن یک جمله است: «دیگر بس است!». به‌همین سیاق است که دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های تهران فریاد برمی‌آوردند: «ملت ما عاصیه؛ برده‌داری کافیه!». مردم ایران درست مثل خواهران و برادران‌مان در عراق و لبنان از سرمایه‌داری اقتدارگرایی که زندگی‌شان را به یک زندگیِ نباتی تنزل داده به‌تنگ آمده‌اند؛ از فساد نظام‌مندیِ که ذاتیِ سرمایه‌داریِ مافیایی است خسته شده‌اند؛ و از خُرده‌امپریالیسم جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و فلسطین و سوریه و یمن و کل منطقه بیزارند. آن‌ها فقط با سه‌برابرشدن قیمت سوخت مخالفت نمی‌کنند؛ بلکه مخالفت آن‌ها با کلیت نظام جمهوری اسلامی است. هیچ شعاری بهتر از شعار رفقای‌مان در لبنان روح این رشته مبارزات را در بزنگاهِ کنونی را بیان نمی‌کند: «کلاً یعنی کلاً!» [همه‌شان بدون استثناء باید بروند!]. ـ

طبقه‌ی حاکم تاکنون با مشتی آهنین به این نفی رادیکال و عملیِ همه قدرت‌های موجود پاسخ داده است. شدت و ابعاد خشونت سیستماتیکی که جمهوری اسلامی برای فلج‌ساختن خیزش آبان به‌کار بست کم‌سابقه بوده است. مقامات حکومتی اینترنت را چهار روز متوالی به‌طور کامل قطع کردند و با این‌کار مملکت را به جعبه‌ی سیاه بزرگی بدل کردند تا با خاطری آسوده و مصون از هر گونه بازخواهی° خون مردم را بریزند. طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل صدها نفر مجروح، هزاران نفر بازداشت و دست‌کم «۱۶۱ نفر در ۲۱ شهر کشته شده‌اند». البته «شمار واقعی کشته‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر است و بنا به برآورد برخی گزارش‌ها به بیش از۲۰۰ نفر می‌رسد». ویدیوهای بسیاری نشان می‌دهند که پلیس به سر و سینه‌ی تظاهرکنندگان تیراندازی می‌کند؛ شیوه‌ایِ که در عراق نیز عیناً شاهد آن بودیم. این تیراندازی‌ها خصوصاً در استان‌های کردنشین و عرب‌نشین روی داده‌اند که مردم محروم‌شان بار دیگر در خط مقدم خیزش هستند و بیشترین هزینه را داده‌اند.ـ

جمهوری اسلامی تاکنون در دستیابی به اهدافش موفق بوده است: حاکمان از فرصتی که تحریم‌های آمریکا برای تحقق رؤیاهای نولیبرال‌شان به‌ارمغان آورده بود استفاده کردند تا هم از شرِ کسری بودجه‌ی فعلی خلاص شوند و هم منابع کافی برای افزایش عملیات نظامی‌شان در منطقه فراهم آورند. آن‌ها برای این منظور اینترنت را قطع کردند و به‌واسطه‌ی آن به کشتار وحشیانه‌ی مخالفان‌شان پرداختند. در سطح بین‌المللی، سرکوب دولتی در ایران نه پوشش رسانه‌ای مشخصی داشته و نه محکومیتی را در پی داشته است؛ هم‌چنان‌که همبستگی ابرازشده از جانب چپ جهانی هم بسیار اندک بوده است. به‌بیان دیگر، حمام خون در

سکوت مطلق رخ داد. یک دلیل این رویکرد شگفت آن است که برخلاف طبقات محروم در ایران و خاورمیانه که هیچ توهمی درباره‌ی نقش «ضد امپریالیسیِ» جمهوری اسلامی ندارند، بسیاری در اردوگاه چپ همچنان به بازنمایی ایدئولوژیک رژیم از خویش (در مقام نیرویی ضد امپریالیست در برابر آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه) باور دارند. چپ نیازمند آن است که از طبقات تحت‌ستم و سرکوب‌شده بیاموزد، تا هم با امپریالیسم آمریکا (به‌ویژه تحریم‌های آمریکا) مخالفت کند و هم با مداخله‌جویی‌های جمهوری اسلامی در منطقه.

ما امضاءکنندگان این بیانیه، به‌عنوان جمعی از فعالین و دانشگاهیان چپ، از نیروهای چپ در سراسر جهان تقاضا می‌کنیم که سکوت خود را بشکنند و با مردم ایران و مقاومت‌شان اعلان همبستگی کند. برای ما بی‌معنی‌ست که از جمهوری اسلامی چیزی مطالبه کنیم، ولی از رفقای‌مان و دیگر نیروهای پیشرو در سراسر جهان می‌خواهیم تا به هر شکلی که می‌توانند صدای مردم سرکوب‌شده ایران باشند که در خفقان این انزوای تحمیلی قرار گرفته‌اند. ما هم‌چنین از چپ بین‌المللی می‌خواهیم جنایات قساوت‌بار رژیم ایران علیه مردمش را محکوم نماید.

و در پایان، همبستگی خود را با معترضان در ایران اعلام می‌کنیم؛ کسانی که با تن‌دادن به ریاضت اقتصادی و اقتدارگرایی و نظامی‌سازیِ جامعه و هر نوع سلطه‌ای که خودمختاری و آزادی‌شان را سرکوب کند، کرامت انسانیِ خویش را باز می‌جویند.

* * *

پی‌نوشت: برای پیشتیبانی از بیانیه می‌توانید امضای خود را تا ۳ دسامبر (۱۲ آذر) به نشانی ایمیل زیر ارسال کنید:
azadi_subversion@riseup.net

* برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان به اینجا رجوع کنید. این فهرست تا تاریخ سوم دسامبر به‌روزرسانی می‌شود.

فارسی Persian

فراخوان به نیروهای چپ در سراسر جهان: در کنار مبارزت مردم

ایران بایستید!

انگلیسی English

Leftists worldwide, stand by the protesters in Iran

فرانسوی French

SOULÈVEMENT EN IRAN : UN APPEL

آلمانی German

Solidarisiert euch mit den Protestierenden im Iran ! Aufruf an linke Genoss*innen weltweit

یونانی Greek

Παγκόσμια Αριστερά, στάσου αλληλέγγυα με τον διαμαρτυρόμενο λαό του Ιράν